



خوانشی لاکانی از نحوه ادراک مدرنیته و شکل‌گیری الگوی اسلامی – ایرانی دولت مطلوب در آراء آیت‌الله طالقانی

فاطمه کامرانی^۱، سمیه حمیدی^۲، پیمان زنگنه^۳

چکیده

در طول تاریخ اندیشه سیاسی به ویژه پس از دوران مدرنیته، انواع مختلفی از نظم سیاسی- اجتماعی، در جهت پیشرفت جوامع اروپایی از سوی نظریه‌پردازان غربی ارائه گشته است که تاثیر به‌سزایی بر نوع حکومت‌ها و دولت‌های کل جهان داشته‌اند؛ اما از آنجایی که این اندیشه‌ها با الگوی ایرانی-اسلامی همخوانی نداشته، نوعی سردرگمی میان نواندیشان و روشنفکران ایرانی به بار آورده است که تا زمان حال حاضر نیز هنوز پاسخ قطعی برای حل آن ارائه نشده است. آیت‌الله طالقانی به مثابه یکی از برجسته‌ترین نواندیشان دینی دوران انقلاب، اگر چه به طور صریح اشاره زیادی به نوع الگوی حکومت مطلوب در جهت پیشرفت اسلامی-ایرانی نداشته‌اند، اما با بررسی آثار ایشان می‌توان موانع و همچنین راهکارهای رسیدن به پیشرفتی که هم‌خوان با الگوی اسلامی ایرانی باشد را دریافت. لذا پژوهش حاضر با واکاوی افکار طالقانی در سه قالب امر واقع، خیالی و نمادین، به عنوان گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت انجام شده است. این پژوهش با رویکردی کیفی و با بهره‌گیری از الگوی سه‌گانه لاکانی از یک سو به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیت‌الله طالقانی چه نوع حکومتی را برای پیشرفت جامعه ایرانی معتقد به دین اسلام عرضه می‌دارد و سوی دیگر به موانع حکومت پهلوی بر سر راه سعادت انسان و جامعه که هدف نهایی پیشرفت است، در دیدگاه ایشان می‌پردازد. روش تحقیق مبتنی بر استراتژی تحلیلی-توصیفی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای استوار است و نتایج آن نشان می‌دهد آیت‌الله طالقانی دموکراسی مبتنی بر شورا را مدل حکومتی مطلوب برای پیشرفت انسان و جامعه می‌داند و آن را به عنوان جانشینی برای نمونه‌های مطروحه غربی معرفی می‌نماید.

واژگان کلیدی:

سه‌گانه لاکانی، طالقانی، مدرنیته، الگوی دولت مطلوب، الگوی اسلامی ایرانی

۳۵

دوره ۱۳، شماره ۳، پیاپی ۳۵
پاییز ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۱-۹-۱۲

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳-۱۱-۲۰

صص: ۷۶-۵۹

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

۱. دانشجوی دکتری، اندیشه سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، تهران، ایران

۲. دانشیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران (نویسنده مسئول)، somaye.hamidi@birjand.ac.ir

۳. مربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران



۱. مقدمه و بیان مسئله

در دوره قاجار اولین مواجهه جدی ایران با تمدن مدرن غرب صورت گرفت، عده‌ای از نواندیشان درصدد برآمدند تا نظم مدرن را بر ویرانه‌های نظم سنتی در حال زوال بنا کنند. اندیشه غالب در دوره پهلوی اول برای پیشرفت جامعه نیز نگاه مثبت توأم با تقلید از غرب بود. اما با نمایان شدن اثرات منفی تقلید بی‌چون و چرا از غرب و پامال شدن فرهنگ بومی و اسلامی، اکثر نواندیشان دینی دغدغه‌مند دهه چهل و پنجاه شمسی ایران، در تقلید همه‌جانبه از دگرگربی تردید کرده و درصدد گزینش اصول هم‌خوان با الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی برآمدند. درحقیقت اکثر روشنفکران دوره مشروطه و پهلوی اول، راه پیشرفت را در دموکراتیک کردن حکومت و مدرنیزاسیون بی‌قید و شرط می‌دیدند، اما نگاه نواندیشان دینی دهه چهل و پنجاه شمسی به این مسئله متفاوت بود. آن‌ها آگاه بودند که دین جزء جدانشدنی از پیکره جامعه ایرانی است و با کنار گذاشتن آن نه تنها پیشرفتی صورت نخواهد گرفت بلکه جامعه به ورطه نابودی خواهد رفت؛ لذا کوشیدند با رد مدرنیزاسیون تحمیلی حکومت پهلوی به مثابه امر واقع، الگویی اسلامی از حکومت ارائه دهند که علاوه بر رعایت اصول اسلامی به‌ویژه اصل سعادت و تعالی انسان به مثابه آرمان پیشرفت در جوامع اسلامی، با نیازهای جامعه معاصر هماهنگ باشد و همزمان از مفاهیم مدرنی که با اسلام در تعارض نیست، بهره‌مند گردد. از جمله نمایندگان این نوع تفکر، آیت‌الله طالقانی است که با رویکردی قرآنی به مدرنیته نگاه می‌کند و برای اصول تمدن‌ساز آن، ریشه‌ای در اسلام می‌یابد. وی از جمله نواندیشان دینی است که نظریاتی درخصوص نوع حکومت مطلوبی که لازمه پیشرفت جوامع است، ارائه می‌دهد. در واقع نظریات آیت‌الله طالقانی درباره نظم سیاسی اجتماعی مطلوب، حاکی از تلفیق دین و سیاست است و در این میان با ارائه مکتوبات و سخنرانی‌های متعدد بیان می‌دارد که اسلام تمام آنچه برای پیشرفت و سعادت لازم است، بیان کرده است. به بیان ایشان، دین اسلام دین گسترده‌ای است که در چارچوب رسیدن به پیشرفت و سعادت جوامع، مقررات خاصی دارد و برای اجرای آن مقررات که برگرفته از وحی است، پی‌ریزی دولت و حکومت الزامی است (طالقانی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۱۱۰).

آیت‌الله طالقانی به درستی دریافته بود که تقلید بی‌چون و چرا از نگرش‌های غربی باعث می‌شود اصالت فکری اسلامی - ایرانی که آبخشور آن‌ها از وحی و خرد به صورت دو بال جدا نشدنی بود به کنار گذاشته شود و اندیشه‌هایی حاکم گردد که با روح فرهنگ این دیار سازگاری ندارد و نهایتاً سعادت و تعالی انسان و جوامع که هدف نهایی پیشرفت است را نابود می‌سازد. در واقع، این افکار وارداتی به دلیل تطابق نداشتن با زیربنای اندیشه‌ای و زندگی اجتماعی مردم نه تنها باری از دوششان برداشته بلکه مردم و هویت آنان را دچار بحران و سردرگمی کردند و حاصل نهایی آن عقبگرد به جای پیشرفت در دوران قبل از انقلاب اسلامی شد. آیت‌الله طالقانی با اشراف به این مسئله به مثابه امر واقعی که رخ نموده بود، درصدد برآمد تا با شناسایی دقیق حیث خیالی و دسته‌بندی مولفه‌های آن، الگویی ارائه دهد که امر نمادین حیات اجتماعی اسلامی - ایرانی یعنی پیشرفت هم در بعد مادی و هم در بعد معنوی در آن مستتر باشد. لذا در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از روش تحلیل - توصیفی ضمن بررسی مبانی و مبادی انسان‌شناسی و اندیشه سیاسی آیت‌الله طالقانی در قالب سه‌گانه لاکانی، نوع نظام سیاسی - اجتماعی مطلوبی که راه پیشرفت و تعالی انسان و جامعه را می‌گشاید، ترسیم گردد. اندیشه‌های آیت‌الله طالقانی در مقام یکی از فقهایی که در دوران انقلاب اسلامی تأملات و نظریات متعددی در حوزه اندیشه سیاسی اسلام داشته است، تاکنون کمتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که طالقانی با تلفیق گزاره‌های انتقادی از مدرنیته و گزاره‌های اسلامی، الگوی اسلامی دولت مطلوب خود را



در قالب دموکراسی مبتنی بر شورا طراحی کرده و با تلفیق مفاهیم مدرنیته با اسلام، به مبارزه با امرواق استبداد پهلوی و استعمار غربی می‌پردازد. او الگوی نظم سیاسی-اجتماعی مطلوب مدنظر خود را با درکانون نشاندن امرمتعال بنیان می‌گذارد. در این الگو آزادی خواهی و به عبارتی دیگر استبدادستیزی، یکی از پایه‌های اندیشه سیاسی طالقانی است. وی به کرات در ستایش آزادی به‌عنوان آرمان بزرگ انقلاب و ملت ایران سخن می‌گوید، با تعابیر مختلف و متفاوت آن را در کانون توجه قرار داده و دیگر مسئولان انقلاب اسلامی را به تأسی از آن فرامی‌خواند. این آزادی در پرتو مفاهیم نمادین اسلامی و در برابر مفاهیم حیث واقع یعنی طاغوت، شرک، استبداد، زیاده‌خواهی، حق‌کشی و ظلم به مثابه موانع پیشرفت جامعه مطرح می‌شود.

۲. اهداف و سوالات پژوهش

اندیشه‌های آیت‌الله سیدمحمود طالقانی در مقام یکی از فقهای که در عصر حاضر در حوزه اندیشه سیاسی اسلام تأملات و نظریات متعددی داشته است، تاکنون کمتر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. لذا هدف نوشتار حاضر این است که در درجه اول، نقش اندیشه‌ها و آرائ آیت‌الله طالقانی را به مثابه یکی از تأثیرگذارترین اندیشمندان دوران حاضر برای نسل آینده شفاف سازد، چرا که مباحث ارزشمندی در زمینه عدالت‌اجتماعی، قانون، آزادی، شوراها و تعالی انسان و جامعه ارائه کرده‌است. از سوی دیگر واکاوی اندیشه وی ضرورتی است که ما را در ایجاد حکومت مطلوب که جامعه را به پیشرفت می‌رساند، کمک می‌کند. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیت‌الله طالقانی با توجه به امر نمادین، خیالی و حیث واقع حاکم بر اجتماع، چه نوع حکومتی را برای پیشرفت جامعه ایرانی معتقد به دین اسلام عرضه می‌کند؟ سوال فرعی تحقیق نیز به این مسئله می‌پردازد که آیت‌الله طالقانی موانع پیشرفت در حکومت پهلوی را منوط به چه مولفه‌هایی می‌داند؟ لذا در این تحقیق درصدد برآمدیم تا با رجوع به آراء و اندیشه‌های آیت‌الله طالقانی و تجزیه و تحلیل آن در قالب سه‌گانه لاکانی، به واکاوی الگوی دولت مطلوب برگرفته از این سه مولفه، که وی لازمه پیشرفت جوامع می‌داند، بپردازیم. طالقانی برخلاف روحانیون هم‌عصرش، آشنایی قابل توجهی نسبت به علوم، اندیشه و تمدن غرب داشت. برای هر آن‌چه از غرب باعنوان آثار مثبت اشاعه می‌یافت، ریشه‌ای در اسلام پیدا می‌کرد و نمونه‌های عملی می‌جست. درواقع او با تلفیق گزاره‌های انتقادی از مدرنیته و گزاره‌های اسلامی درصدد طراحی نظم سیاسی-اجتماعی مطلوب خود در قالب دموکراسی مبتنی بر شورا برآمد.

۳. پیشینه پژوهش

در پیشینه تحقیق، به همه آثار طالقانی رجوع شده است و از جمله در کتاب طالقانی و تاریخ نوشته بهرام افراسیابی و سعید دهقان (۱۳۶۰) است که گذری بر زندگی و اندیشه طالقانی داشته است، کتاب زندگی و مبارزات پدر طالقانی اثر اسکندر دلم (۱۳۵۸) زندگی طالقانی را شرح داده است. علاوه بر این‌ها کتاب طالقانی فریادی در سکوت، نوشته میرابوالقاسمی (۱۳۸۷) به بررسی زندگی و اندیشه‌های طالقانی اشاره دارد که بیشتر به ذکر وقایع دوران زندگی ایشان پرداخته است و زندگی نامه و مبارزات سیاسی - مکتبی ایشان را به تفصیل بیان کرده است. این اثر در دو جلد به تألیف در آمده است. بادامچیان و قاسم‌زاده (۱۳۸۸)، در منبعی تحت عنوان «کتاب طالقانی از نگاهی دیگر»، به ذکر وقایع زمانه طالقانی از دوره رضاخان و حوادث پس از آن تا کودتای ۲۸ مرداد می‌پردازد. در این کتاب به نقش طالقانی در همکاری با رهبر انقلاب و بررسی شخصیت ایشان از نگاه سایر مبارزان و اشخاص سیاسی و مذهبی اشاره می‌شود. همین‌طور روابط نهضت آزادی و طالقانی و تأثیر وی در تمرکز نیروها و احزاب در جهت پیروزی انقلاب در این کتاب به تصویر کشیده شده است.



مقاله «نظام شورایی در اندیشه سیاسی آیت‌ا... طالقانی» نوشته علی شیرخانی (۱۳۸۰) به بسط نظام شورایی در اندیشه طالقانی پرداخته است. این نویسنده در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه اندیشه سیاسی طالقانی و محمد مجتهدشستر» به مقایسه اندیشه این دو پرداخته است. حیدری (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «مروری بر زندگی سیاسی آیت‌الله طالقانی»، بیان داشته است که ایشان تنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب ایران و در حالی درگذشت که به اسطوره مبارزه و روشن‌بینی در ایران تبدیل شده بود. در عصری که مبارزه و رنج اصالت داشت، طالقانی اصیل‌ترین چهره باقیمانده در میان انقلابیون بود و مرجع مورد قبول همه نیروهای درگیر در انقلاب شد. صادقیان (۱۳۹۱)، در پایان نامه‌ای تحت عنوان «تأثیر اندیشه‌ها و عملکرد آیت‌الله طالقانی در فرآیند انقلاب اسلامی»، اذعان می‌دارد که طالقانی به عنوان یکی از استوانه‌های اصلی انقلاب در مصاحبه‌ها و پیام‌های خود خطاب به اقشار مختلف ملت ایران از مواضع رهبر انقلاب مبنی بر غیر قانونی شمردن دولت بختیار و نهادهای به جا مانده از حکومت پهلوی قاطعانه دفاع کرد و روند انقلاب را سرعت بخشید. و در نهایت افتخاری (۱۳۹۵) در پایان نامه‌ای با عنوان «زندگی، زمانه، آراء و افکار سیاسی آیت‌الله سیدمحمود طالقانی»، بیان داشته است که آیت‌الله طالقانی به مدت نیم قرن فعالیت در حیات سیاسی و اجتماعی و با تکیه بر قرآن عمر خود را در راه احیای فکر و اندیشه دینی صرف کرد و در فرایند انقلاب اسلامی نقش بسیار مهم و قابل توجهی ایفا کرد.

با توجه به موارد یادشده می‌توان دریافت که اگرچه نکاتی مهم و قابل توجه در تحقیقات مذکور بیان شده است اما به جز چند مورد اکثراً به شرح زندگانی و وقایع تاریخی پرداخته‌اند و نسبت به اندیشه‌های سیاسی و آرائی وی کمتر اقدام شده است. علاوه بر این تاکنون از نحوه ادراک مدرنیته، نظم نمادین، امر واقع و در نهایت شکل‌گیری الگوی حکومت مطلوب و متعالی در آرای طالقانی پژوهشی صورت نگرفته است و از این منظر پژوهش حاضر امری بدیع محسوب می‌شود.

۴. ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

الف) تعریف مفاهیم

اصطلاح مدرنیته به معنای نوگرایی و تجدد به شکلی از زندگی، سازمان‌ها و تشکیلات اجتماعی اطلاق می‌شود که از حوالی قرن هفدهم میلادی به بعد در اروپا شکل گرفت و به تدریج دامنه تأثیر و نفوذ آن در سایر نقاط دنیا بسط و توسعه یافت (گودرزی، ۱۳۸۶: ۴۵). مدرنیته با طی کردن مراحل چون پروتستانیسیم، روشنگری، انقلاب صنعتی، روشنگری و ... در غرب پدیدار شد و ابعاد سیاسی-اجتماعی خاصی نظیر فردمحوری، افسون‌زدایی و افول جهان‌بینی مذهبی، تخصصی شدن و ... را دربرداشت. مفهوم نواندیشی نیز مبحثی است که با مقوله مدرنیته رابطه نزدیکی دارد. این اصطلاح به قشر متفکر و نخبه‌ای در جامعه اطلاق می‌گردد که به نحوی انتقادی، مسائل و مشکلات گوناگون جامعه را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند و سعی دارند با توجه به منافع و نیازهای واقعی مردم، راه‌حلی را برای برون‌رفت از آن ارائه کنند و توده‌ها را نسبت به حقوق اولیه و ثابتشان آگاه سازند. از این رو می‌توان گفت ویژگی اصلی آن‌ها نقد وضع موجود و آفرینش یک نظم سیاسی-اجتماعی جدید در ذهن خود و تبیین آن برای عموم افراد جامعه می‌باشد. نواندیشی دینی نیز به جریانی اطلاق می‌شود که از سویی به مدرن‌کردن جامعه می‌اندیشند و به دنبال یافتن عوامل عقب‌ماندگی جوامع هستند و از طرف دیگر به دنبال بازتولید مفاهیم سنتی و دینی در دنیای مدرن‌اند.

ب) چارچوب نظری تحقیق



مبنای اساسی روانکاوی لاکان شناخت ذهن انسان بر مبنای زبان و ساختار آن است. بدین ترتیب که زبان پیش شرط آگاهی فرد از خود به مثابه یک هستی متمایز به شمار می‌رود. لاکان سه حیث را سازنده ذهن افراد می‌داند که عبارتند از حیث خیالی، حیث نمادین و حیث واقع.

حیث خیالی در منظومه فکری لاکان مهم‌ترین مرحله‌ی رشد افراد محسوب می‌گردد. تشکیل این حیث منوط به دسترسی فرد به تصویر حاصل از کالبد خودش است که در مرحله آینه‌گی به آن دست پیدا می‌کند. در این مرحله با جدایی اولیه مادر، کودک طی سه مرحله هویت خود را در آستانه هجده ماهگی بازمی‌یابد و در سه سالگی به حد نهایی خود می‌رسد. در مرحله نخست آینه‌گی کودک به تصویر خود قائل شده، اما قادر به شناسایی آن نیست. در مرحله دوم از طریق رابطه‌ای تقلیدکارانه، غیر را شناسایی و سعی می‌کند خود را با او انطباق دهد. در مرحله پایانی، دوگانگی اولیه بین خود و دیگری جای خود را به تثلیثی از خود، دیگری و عامل سومی به نام تمنای غیر می‌دهد (نجف‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۷۰-۱۶۹). حیث نمادین دومین مرحله در نظریه روانکاوی لاکان است. کنش‌های فردی را نه در نسبت با خودش، بلکه در نسبت با زمینه روابط اجتماعی درک می‌کنیم که معنای خود را از آن کسب می‌کند (هومر، ۱۳۸۸: ۵۶-۵۲). هم‌چنین وی معتقد است، سوژه با گردن‌نهادن بر قوانین زبان، به سوژه‌ای در زبان بدل می‌گردد، در زبان زندگی می‌کند و در تلاش است تا از طریق بازنمایی به هویت مناسبی دست یابد. ساحت نمادین قالبی شکل می‌دهد که سوژه در مرتبه وجودی خود، درون آن گنجانده شود (Lacan, 1993: 179). به سخن دیگر، زبان حامل امرمفروض اجتماعی، فرهنگی، قوانین و نواهی است. فرد با زبان سرشته می‌شود و به گونه‌ای پایا و بدون توجه به آن مشخص می‌شود. لاکان ناخودآگاه را به عنوان کلام دیگری بزرگ تعریف می‌کند (استاوراکاکیس، ۱۳۹۲: ۴۱). لذا تأثیر امرنمادین بر افعال و تصمیمات همه افراد قابل رویت است. لاکان عنصر سوم را در ساختمان نفسانی، حیث واقع یا امر لایتغیر می‌نامد که عبارت است از عناصری که هرگز نتوانسته‌اند حالت ترمیزی به خود یعنی کلامی پیدا کرده و به ساحت رمزشاشرت راه یابند. از نگاه لاکان امر واقع چیزی است که کاملاً در برابر نمادین‌سازی مقاومت می‌کند یا به بیان دیگر قلمرو هرآن چیزی است که خارج از نمادین‌سازی وجود دارد (Lacan, 1966: 388) اما بر زندگی و روابط اجتماعی ما حاکم است. به باور او، غایت روان‌کاوی، مواجهه فرد با حیث واقع اوست که تا آن زمان خارج از حیطه افکار او قرار گرفته اما عالم او را تعیین می‌بخشیده است (موللی، ۱۳۸۶: ۲۷۸-۲۷۶).

۵. روش پژوهش

در این مقاله با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای و اسنادی مدارکی، به منابع معتبر دسته اول و دسته دوم ذیربط مراجعه شده و با کاربست روش توصیفی افکار و آرائی آیت‌الله طالقانی در حوزه امر خیالی، امر نمادین و ساحت امر واقع مورد تأمل قرار گرفته است، آنگاه با به‌کارگیری روش تحلیلی به استنباط راهبرد نظم سیاسی-اجتماعی مطلوب در نظام اندیشگی آیت‌الله طالقانی پرداخته شده است. بنابراین روش مورد استفاده در تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تمام آثار شهید طالقانی است. در بررسی اندیشه طالقانی از نظریه سه‌گانه لاکان استفاده شده است تا خوانشی از ادراک مدرنیته و الگوی مطلوب حکومت در اندیشه وی به دست آورد.

۶. یافته‌های پژوهش

در ادامه به نحوه ادراک از مدرنیته، امر نمادین و امر واقع و همین‌طور تأثیر آن بر دولت مطلوب و تعالی جامعه از نگاه آیت‌الله طالقانی به عنوان یکی از نمایندگان نواندیشی دههٔ چهل و پنجاه شمسی بر مبنای نظریه سه‌گانه لاکانی می‌پردازیم.



۶-۱. امرخیالی

آیت‌الله طالقانی، آشنایی قابل توجهی نسبت به علوم، اندیشه و تمدن غرب به مثابه حیث خیالی داشت. او نقدمنصفانه و عالمانه را می‌پذیرفت. طالقانی، طرفدار برقراری دموکراسی بود و امکان اجرایی شدن آن را در زیر سایه قسط اسلامی درک می‌کرد. بنابراین گام نخست را در سرنگونی و فروپاشی رژیم شاهنشاهی به مثابه امر واقع می‌دانست و گام بعدی را در ایجاد جامعه‌ای عادلانه و دموکراتیک بر مبنای فرآیندها و نهادهایی همانند شوراها، مشارکت در سرنوشت سیاسی و حق رأی همگانی می‌دید (طالقانی، ۱۳۵۹ا: ۱۲۹). هم‌چنین وی معتقد به آزادی همه‌جانبه بود و آن را به آیات قرآن مستند می‌ساخت. اسلام که قاعده‌ای مانند لا اکره فی الدین در درون خود دارد، اشتباه است که بپنداریم از آزادی در بعدهاى مختلف آن ترس دارد و یا قصد سلب کردن آزادی دیگران را دارد؛ چرا که اسلام می‌فرماید: «قد تبين الرشيد من الغي» و هیچ منافاتی با آزادی ندارد (طالقانی، ۱۳۴۴: ۲۰۶-۲۰۵). البته این نکته قابل ذکر است، اگرچه طالقانی از آزاداندیش‌ترین چهره‌ها در میان نواندیشان دینی روحانی محسوب می‌شد ولی این مسئله نمی‌تواند بدین معنا باشد که مولفه‌های دموکراسی و جمهوریت در نظام اندیشه‌ای او دارای اصالت ذاتی باشد و همانند اصولی خدشه‌ناپذیر مورد قبول قرار بگیرد، بلکه وی اعتبار این‌ها را در جامعیتی می‌جوید که در مکتب اسلام است. طالقانی معتقد است اسلام دین جامع و فراگیری است که اگر حاکم شود، دیگر نباید از مکاتب و اندیشه‌های دیگر هراسی داشت. در واقع متناسب با مفهوم آینده‌نگری در ساحت امرخیالی لاکان، شناسایی غیر از طریق رابطه تقلیدکارانه و حتی تضادی غیر میسر می‌شود. در این راستا آیت‌الله طالقانی در مقابل غیر مدرنیته، رویکردی مبتنی بر تلفیق و پذیرش اتخاذ کرد. طالقانی، ضمن بهره‌گیری از دگر هویتی به نام مدرنیته و تلفیق آن با گزاره‌های دینی آن هم با خوانش نو در صدد شناسایی و هویت‌بخشی به من دینی برآمد. لذا او بر اساس فرآیند شکل‌گیری من وجودی دینی، بر این باور بود که در اثر رابطه‌ای تعاملی با غیر غربی می‌توان هویتی جدید را بر مبنای اسلام پایه‌ریزی کرد.

از نگاه طالقانی اندیشه توحید در اسلام مانع و سد عظیمی در به بند کشیدن آدمی به دست هم‌نوعانش است و با آن افراد به آزادی ذاتی خود که در فطرت آن‌ها نهاده شده، دست می‌یابند. بنابر آیات قرآن، انسان براساس میل و اراده خود دارای حق انتخاب است (همان، ۹۲). پس تأکید طالقانی بر آزادی و اختیار انسان در راستای اهمیت قائل شدن به من نفسانی در ساحت امرخیالی محسوب می‌شود و به همین جهت در صدد برآمد تا از خودبیگانگی را از این ساحت با تأکید بر عنصر انتخاب بزدايد و بر آزادی تأکید کند که موجب تعالی افکار و در نتیجه موجب پایداری و پیشرفت جوامع می‌شود.

درواقع او آزادی را یک امر مسلم و فطری می‌داند (طالقانی، ۱۳۴۴: ۹۶). انسان از منظر ادیان توحیدی دارای اراده و اختیار است؛ بنابراین اندیشه آزادبودن با آغاز پیدایش انسان همراه بوده است. وی در جایی دیگر می‌نویسد: «... خیلی از افراد هستند که ندای آزادی سر می‌دهند و طرفدار آزادی هستند ولی می‌بینیم که در قید و بند مکتب‌های خاصی هستند. این‌ها در واقع برده مکتب هستند، ... برده نظام حزبی و اجتماعی هستند. نه ما می‌گوییم قرآن برای انسان آزاد است، برای آزاد کردن انسان است. انسانی که بخواهد آزاد شود» (طالقانی، ۱۳۶۰: ۶۸). وی هدف بعثت و رسالت انبیاء را رهایی و آزادی انسان‌ها می‌داند. این نگرش طالقانی، متناسب با اصل استعلای من نفسانی انسان در ساحت امرخیالی است. به عبارتی او من نفسانی انسان را مستقل از تأثیرات محیط پیرامونی‌اش ارزیابی می‌کند.



هم‌چنین از نگاه طالقانی آزادی زمینه را برای رسیدن به ارزش‌های والاتر و متعالی نظیر عدالت، قسط و ... فراهم می‌آورد. اسلام دین آزادی است. او با بهره‌گیری از مفهوم آزادی در دگر بیرونی مدرنیته غربی و قرارداد آن در ساحت اندیشه دینی، به نوعی تقلید از دگر در قالب ساحت امرخیالی متناسب با بحث لاکان روی آورد. لذا درکش از آزادی، طبعاً مستلزم ایدئولوژیک شدن دین و ارائه تفسیرهای نوین و کاملاً کاربردی و سیاسی از آموزه‌های دینی و هم‌چنین بازفهمی و بازآفرینی نمادها و سمبل‌ها بود تا اسلام را به‌عنوان مکتبی پویا در عرصه اندیشه و عمل مطرح سازد. به‌گونه‌ای که بتواند به‌مثابه مکتبی پرتوان و نیرومند در مواجهه با ایدئولوژی‌های پرجاذبه و قدرتمند لیبرالیستی و مارکسیستی قرار بگیرد (ملائی‌توانی، ۱۳۸۸: ۲۰۴). این رویکرد خواه‌ناخواه با اندیشه و تفسیرهای دین‌داران و متولیان سستی مذهب در تعارض بود و موجب گردید تا موجی از بی‌اعتمادی و کارشکنی علیه این پویش فکری به راه بیاندازند. طالقانی با پیشینه توانمندی که از تفکر و نوگرایی دینی و هم‌چنین آشنایی که با مکاتب فکری لائیک و سکولار داشت، در مسیر تصحیح برداشت‌های سنت‌گرایان گام برداشت.

وی علاوه بر مبارزات سیاسی می‌بایست با متحجران انحصارطلب و واپس‌گرایی که هیچ نوآوری را بر نمی‌تافتند و اندیشه‌های جدید را کفر می‌دانستند، مقابله می‌کرد. لذا می‌توان گفت، یکی دیگر از غیرهای ساحت خیالی اندیشه طالقانی، واپس‌گرایی دینی بودند که با برقراری رابطه‌ای توأم با نفی این غیر، درصدد پی‌ریزی بنیان نواندیشی دینی برآمد.

وی موضع خود در خصوص لیبرالیسم و سوسیالیسم چنین بیان می‌کند: «هر مسلک و طرح و مرام اجتماعی که خودسران را محدود نماید و جلوی اراده آنان را بگیرد، قدمی به‌هدف پیغمبران و اسلام نزدیک‌تر است، ولی مقصود و نظر نهایی اسلام نیست. مشروطیت و دموکراسی و سوسیالیسم، همه این‌ها به‌معنای درست و حقیقی خود گام‌های پی‌درپی است که به‌نظر نهایی نزدیک می‌نماید» (نائینی، ۱۳۳۴: ۱۰).

۶-۲. امرنمادین

همان‌طور که در مطالب پیشین آمد، بر مبنای آراء لاکان، اندیشه‌ها و فرآورده‌های فکری هر فردی بر پیشینه‌های چندی از جمله تعلیم و تربیت آغازین زندگی، میراث خانوادگی، محیط تاریخی و فرهنگی و زمینه‌های دیگر قرار دارد؛ اما برخی از شرایط زمانی و مکانی در شکل گرفتن ساختار ذهنی آن‌ها تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. نکته دیگر آن‌که اندیشه‌ها و افکار هر کسی سیر تحول و غالباً تکاملی دارد. لذا نمی‌توان اندیشه‌های محدود در یک دهه را به‌طور قطع متعلق به همان زمان دانست.

مهم‌ترین عواملی که در فرآیند شکل‌گیری شخصیت اجتماعی-سیاسی و سیمای فکری آیت‌الله طالقانی تأثیر مستقیم داشته‌اند عبارتند از: پیشینه خانوادگی، سیمای فکری پدر و جلسات منظم مذهبی-سیاسی وی، معلمان و استادان او در حوزه علمیه قم و نجف، فضای اختناق‌آمیز و شبه‌مدرن عهد رضاشاه به‌ویژه شگردها و شیوه‌های رژیم او در رویارویی با دین و روحانیت و واکنش نهادها و نیروهای مذهبی در برابر آن (ملائی‌توانی، ۱۳۸۸: ۱۳). این مفاهیم بر مبنای امرنمادین لاکان، بیانگر تأثیر محیط در شکل‌دادن به زبان در نگرش آیت‌الله طالقانی است. عرصه زبان ساحت ناخودآگاه وی را که ریشه در باورهای مذهبی دارد را باز می‌نمایاند.

طالقانی که در محیط آرام و فضای مذهبی-سستی روستا چشم به‌جهان گشوده بود، در آغوش خانواده‌ای باموقعیت برجسته اجتماعی-فرهنگی پرورش یافت و خواه‌ناخواه به‌سوی شیوه زندگی پدرانش رهنمون شد (حیدری، ۱۳۳۸: ۱۱۲)؛ شاخه‌های متداول و مختلف علوم حوزوی را آموخت و به‌استادان طراز اول نزدیک شد؛ تحت تأثیر نشست‌های مذهبی و هم‌چنین سیمای ملایم و مبتنی بر مدارای پدر قرار گرفت. پدرش، از علمای بزرگ دوران خودش بود که پس از دریافت اجازه اجتهاد از محضر مجتهدان



بزرگ به ایران بازگشت و در مدرسه مروی تهران به تدریس پرداخت (ملائی توانی، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۳). درحاشیه درس ایشان نه تنها جلسات مختلف دینی و سیاسی بلکه حتی مباحثه و گفت‌وگو با پیروان مذاهب دیگر نیز برگزار می‌شد. اثربخشی این نشست‌ها در اندیشه‌های محمود طالقانی کاملاً مشهود است.

ابوالحسن طالقانی برخلاف مشی مسلط علمای هم دوره‌اش، زندگی اجتماعی و حیات فکری و دینی‌اش با سیاست آمیخته بود (افراسیابی و دهقان، ۱۳۶۰: ۲۱) و آن را مانند میراثی برای فرزند خود به‌یادگار گذاشت. لذا برمبنای نظم‌نمادین به‌مثابه یکی از سه‌گانه‌های لاکانی، میل ناخودآگاه آیت‌الله طالقانی در ارتباط با دیگری، همسو با قواعد مذهبی پدیدار شد.

آیت‌الله طالقانی، راه پدر خویش را ادامه داد و از پیش‌قراولان مبارزه با رژیم استبدادی بود. وی نزدیک به چهار دهه قبل از انقلاب، تلاش خود را برای به‌صحنه آوردن اسلام و قرآن در جامعه ایران و ارتقای بینش اسلامی مردم علی‌الخصوص نسل جوان شروع نمود. وی در این رابطه اذعان می‌کند: «چون احساس کردم که جوانان از جهت عقاید و ایمان در معرض خطر قرار گرفته‌اند، به‌پیروی از روش مرحوم پدرم، جلساتی برای عده‌ای از جوانان و دانشجویان درباره بحث در اصول عقاید و تفسیر قرآن تشکیل دادم و در دنباله این جلسات بعد از شهریور ۲۰ انجمن‌ها و کانون‌های اسلامی تشکیل شد. مانند کانون اسلام، انجمن تبلیغات اسلامی دانشجویان...» (میرابوالقاسمی، ج ۱، ۱۳۸۲: ۱۱۴).

یکی از دلایل روی آوردن آیت‌الله طالقانی به فعالیت‌های فکری، کم‌رنگ شدن نقش دین در جامعه بود. براساس نظریه لاکان از آنجایی که نگاه نواندیشان دینی با استبداد و استعمار غرب در تضاد بود، لذا در ساحت‌نمادین به‌دفاع از ارزش‌های دینی و سستی پرداخته و برآن بودند تا با جهت‌دهی امرنمادین به‌سوی ارزش‌های اسلامی، مبانی نظم سیاسی-اجتماعی حاکم بر جامعه را مبتنی بر امرنمادین بازسازی کنند.

نفوذ روزافزون ایدئولوژی‌های بیگانه نظیر مارکسیسم و افکاری که به‌وسیله غرب‌گرایان با حمایت خاندان پهلوی در ایران تبلیغ می‌شد، سبب گردید تا طالقانی الگویی اسلامی برای جامعه و پاسخ‌دهی به شبهات و خواسته‌های نسل آن روز ارائه دهد تا خلائی برای نفوذ ایدئولوژی‌هایی که به مصلحت کشور نیست، باقی نماند (افراسیابی و دهقان، ۱۳۶۰: ۱۹۰). وی در این راه علاوه بر قرآن که متقن‌ترین منبع برایش محسوب می‌شد، از منابع عملی که توسط نویسندگان ایرانی و غیر ایرانی نوشته شده بود و هم‌چنین از اندیشه‌های روشنفکران مسلمانی چون سید جمال اسدآبادی، محمد عبده، اقبال لاهوری و دیگر متفکران مسلمان بهره‌مند شد. این بهره‌گیری را می‌توان به شکل آشکار در نقل قول‌هایی که از آن‌ها در سخنان و نوشته‌های خود آورده است، مشاهده نمود. پس متناسب با امرنمادین لاکانی که مفهومی کلیت‌بخش است، این کلیت به صورت امری مذهبی بر افکار آیت‌الله طالقانی حاکم بود.

علاوه بر این، طالقانی از دوران جوانی، شاهد مبارزه آیت‌الله سیدحسن مدرس با رضاخان و همکاری پدرش با مرحوم مدرس بود. او با چشم خود شکست مدرس را دید و دلیل آن را نداشتن سازمان و تشکیلاتی می‌دانست که از وی پشتیبانی کند. طالقانی پس از شهادت مدرس مصمم شد که راه او را ادامه داده و با حکومت دیکتاتوری به مبارزه پردازد. در همین راستا پس از شهریور ۱۳۲۰ و روی کارآمدن محمدرضاشاه و فضای سیاسی نسبتاً بازی که شکل گرفت، فعالیت سیاسی-اجتماعی خود را آغاز کرد. وی برای کار فرهنگی، کانون اسلام را تأسیس و مجله دانش‌آموز را به عنوان ارگان آن منتشر کرد. زمانی که انجمن‌های اسلامی دانشجویان و مهندسان و پزشکان تشکیل شد، فعالانه به همکاری با آنان پرداخت. هم‌چنین بعدها که نهضت ملی برای ملی کردن صنعت نفت به راه افتاد و جبهه ملی تشکیل گردید، با آن همکاری می‌کرد. وی پس از کودتای ۲۸ مرداد در نهضت مقاومت ملی



نقش حساسی داشت و سرانجام در سال ۱۳۳۹ در جبهه ملی دوم عضویت یافت. هم‌چنین زمانی که نهضت آزادی ایران به وسیله دوستان مورد اعتمادش در اردیبهشت ۱۳۴۰ تأسیس شد، فعالیت سیاسی خود را با پشتوانه مذهبی در کنار استادانش ادامه داد (طالقانی، ج ۲، ۱۳۸۲: ۸).

هم‌چنین، طالقانی با توجه به پیشینه ضد استبدادی که داشت از دستاوردهای انقلاب مشروطه به‌عنوان نزدیک‌ترین شیوه به حکومت اسلامی دفاع می‌کرد و به شرح، تفسیر و انتشار مجدد آراء نائینی همت گمارد. وی، نویسنده کتاب *تنبیه الامه و تنزیه المله* را از برجسته‌ترین و فاضل‌ترین علمای شیعه در سده‌های اخیر می‌داند که کتابش علاوه بر اثبات مشروع بودن مشروطه، اصول سیاسی و اجتماعی اسلام و نقشه و هدف کلی حکومت اسلامی را در بر می‌گیرد (ملائی‌توانی، ۱۳۸۸: ۱۱۴) آیت‌الله طالقانی با مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشت، مجدداً آن را در کانون بحث‌های نظری پیرامون حکومت‌داری وارد کرد. طالقانی بارها گفته بود نظریاتش راجع به حکومت همان کتاب *تنبیه الامه و تنزیه المله* است (بسته نگار، ۱۳۶۰: ۶۰). وی در پایان اظهار امیدواری می‌کند که پیشوایان و مسلمانان بیدار با اتکا به مطالب و مباحث این اثر برای اصلاح و پیشرفت خود همت کنند.

هدف اصلی طالقانی از انتشار این کتاب، اثبات مغایرت ذاتی اسلام با استبداد و سازگاری آن با دموکراسی بود. وی اینگونه میان امر نمادین و حیث خیالی پل می‌زد و معتقد بود که اسلام به‌دلیل پرسش‌ها و پاسخ‌های جدیدش، منطبق با جهان معاصر است. به تعبیر آبراهامیان، هدف طالقانی حل و فصل آن دسته از اختلافات ریشه‌ای بود که در بروز شکست نهضت مشروطه و مبارزات ملی سال‌های ۳۲-۱۳۲۸ نقش بسزایی داشت. بدین‌سان می‌کوشید، شکاف‌های عمیقی که مؤمنان واقعی را از اصلاح‌طلبان غیر مذهبی، بازاریان سستی را از متخصصان تحصیل‌کرده و روحانیون محافظه‌کار ضد رژیم را از روشنفکران تندرو جدا می‌ساخت، پر کند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۶۵). در واقع از نگاه طالقانی، ایران در حرکت آزادی‌خواهی و رهایی از استبداد طبقاتی از کشورهای طراز اول دنیای شرق تلقی می‌شد. در فرآیند نهضت مشروطه با ایستادگی علمای تهران و نجف حرکت استعمار خنثی و قانون اساسی آن زیر نظر علما تنظیم شد: «این قانون اساسی که مهم‌ترین مواد اولیه آن حق نظارت کلی را به مراجع دینی می‌دهد تا مصوبات عرفی مخالفت با اصول قرآن نداشته باشد و این‌که باید حکومت ناشی از آراء ملت باشد، همان سیستم و رژیم اسلامی و شرایط زمان است...» (طالقانی، ۱۳۵۹: ۴۳). البته طالقانی منکر این واقعیت نبود که مشروطیت یکی از دستاوردهای مدرنیته غربی است و از بیرون مرزهای اسلامی به قلمرو مسلمانان رسیده است. از نظر او به همین دلیل است که یک رشته منازعات فکری و سیاسی میان رهبران دینی ایجاد شده است (نائینی با مقدمه و شرح طالقانی، ۱۳۳۴: ۱۰). اما افزون بر این منابع، حوادث دیگری در زندگی طالقانی رخ می‌دهد که موجب می‌گردد مبانی اندیشه‌ای و نظری او که عمدتاً متأثر از آراء نائینی و نظام مشروطه بود به تدریج متحول گردد. مسائل و اتفاقاتی مانند سرکوب سراسری و منزوی کردن مخالفان، مجازات و محاکمه کردن طالقانی و رهبران نهضت آزادی در دادگاه‌های نظامی، کنترل شدید بر فعالیت احزاب مستقل و جو امنیتی و در نهایت تشدید استبداد سیاسی که مجموعاً مشارکت در چارچوب قانون مشروطه و نظم مستقر را ناممکن می‌ساخت، وی را به سمت حمایت از انقلاب اسلامی، تغییر رژیم حاکم و سامان‌دهی یک نظام آرمانی با کارویژه‌ها و مشخصه‌های جدید سوق داد. به همین جهت از جمهوری اسلامی که امام خمینی مطرح نمود، دفاع می‌کرد. همان‌گونه که اشاره شد، در ساحت امر نمادین لاکان، سوژه از توان کنشگری جهت به‌چالش کشیدن امر نمادین ساختار حاکم برخوردار بوده و توانایی آن را دارد تا ساحت نمادین دیگری را بازسازی نماید. آیت‌الله طالقانی نیز متناسب با این رویکرد نظری ضمن نفی ارزش‌های نمادین دیگری سلطنت پهلوی، درصدد بازتعریف مفاهیم و ارزش‌های دینی



با تکیه بر آراء آیت‌الله نائینی برآمد تا گزاره‌های نمادین جدیدی در تقابل با ساحت نمادین استبداد بازسازی نماید. لذا شکل‌گیری حوزه امر نمادین با شمایل‌ی جدید از جمله ابتکارات آیت‌الله طالقانی در این حوزه است.

۳-۶. امرواقع

طالقانی که یکی از چهره‌های فعال نهضت ملی ایران بود و از مبارزات ملی نمودن صنعت نفت به‌ویژه مسئله خلع ید استعمار غارتگر انگلستان حمایت می‌کرد، در اوایل دهه ۳۰ از هیچ تلاشی در جهت آزادی و رهایی کشورش و حتی کشورهای دیگر زیر سلطه استعمار غرب به‌ویژه فلسطین دریغ ننمود. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فضای سیاسی و اجتماعی جامعه تغییر کرد. شاه با توجه به تجربه تلخ دولت‌های پیشین از جمله قوام‌السلطنه و دولت ملی مصدق، به طور مستقیم بر مسند نخست‌وزیری چنگ انداخت و آن را به عنوان خدمتگزار سلطنت در اختیار گرفت. هم‌چنین دخالت دربار تا انتخابات مجلس با هدف گزینش نمایندگان به صورت علنی تا انقلاب اسلامی ادامه داشت (فردوست، ۱۳۷۸: ۲۵۷). بدین ترتیب بدیهی بود که مصوبات مجلس همواره در جهت تقویت مبانی سلطنت و در راستای حفظ منافع اقلیت حاکم و حامیان خارجی آن‌ها بود.

کودتای ۲۸ مرداد سرآغاز فاصله گرفتن رهبران مخالف و مبارزان پرشور از هواداران‌شان بود و اکثر احزاب سیاسی مستقل پراکنده شدند. شاه یک رشته سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی به منظور حفظ رژیم شاهنشاهی ایجاد کرد که واحدهای پلیس شهربانی، واحدهای اطلاعاتی رکن ۲ ارتش، گارد شاهنشاهی، بازرسی شاهنشاه، دفتر ویژه اطلاعات و در رأس همه، ساواک از آن جمله بودند. این سازمان‌ها، ارکان گوناگون حیات اجتماعی-سیاسی ملت را تحت کنترل داشتند و امکان فعالیت را از آن‌ها سلب کرده بودند.

در همین زمان تحولات ریشه‌داری در اقتصاد ایران پدید آمد که دریافت کمک‌های خارجی، حل مشکلات مربوط به فروش نفت و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سطح از شاخص‌های عمده آن بود. این رویه در جریان اصلاحات ارضی سرعت گرفت و با یک سلسله تغییرات دامن‌دار اقتصادی و اجتماعی، شکاف‌های گسترده‌ای بر پیکره جامعه ایران به وجود آورد. با افزایش درآمدهای نفتی، به تدریج تأسیسات گوناگون صنعتی با بهره‌مندی از حمایت‌های همه‌جانبه دولت و مشارکت انحصارات خارجی تأسیس گردید و عرصه‌های مختلف اقتصاد ایران را تسخیر کرد (رزاقی، ۱۳۷۵: ۳۵-۳۴). مشخصه عمده این نوع صنایع، مصرفی بودن و وابستگی آن‌ها از نظر مواد اولیه، قطعات ماشین‌آلات و نیروهای متخصص به خارج بود که در نهایت به دگرگونی در بازارهای مالی-بانکی و بورس بازی زمین ختم شد و زمینه پیدایش قشری غیر مولد و حاشیه‌ای را فراهم کرد. شاه پرچمدار تغییر موضع غرب‌گرایانه ایران بود و می‌گفت: غربی کردن آرمان ماست و منافع ایران در اتحاد با غرب به بهترین وجه تأمین می‌گردد (مخبر، ۱۳۷۱: ۱۹۶). از منظر لاکانی این موضع یعنی انکار هویت خودی و خود را زیر سلطه دیگری قرار دادن که در واقع سرآغاز روی گرداندن متفکران دینی هم از نهاد سلطنت و هم از غرب بود که به صورت غرب‌ستیزی و بعضاً انقلاب‌گرایی چهره نمود. در حقیقت بر اساس ساحت امر واقع لاکانی که وی آن را به تروما، دردها و رنج‌ها نسبت می‌دهد، در این راستا بسیاری از نواندیشان دینی زایش درد و رنج در روان افراد مبارز در جامعه را ناشی از پیوند دو عنصر استبداد و استعمار می‌دانستند.

در چنین فضای خفقان‌آوری، طالقانی با جریان‌های گوناگون فکری و رهبران حرکت‌های سیاسی-مبارزاتی پیوند و تعامل داشت و مبارزه علیه برنامه‌های شبه‌مدرنیستی شاه یکی از دغدغه‌های مهم وی بود. لذا با همکاری دوستانش در نهضت آزادی ایران بیانیه‌ای را تدوین و در آن اعلام کردند که روحانیت نه با رفع ظلم از کشاورزان مخالف است و نه با آزادی زن؛ بلکه اصلاحات



ارضی را برنامه‌ای مسخره و کاریکاتوری از اصلاحات آمریکایی می‌داند که هدفش ویران ساختن کشاورزی و گرفتن زمین از مالکان اصلی و فروختن آن به کشاورزان در مقابل سهام کارخانه‌های دولتی و تبدیل زمین‌داران به کارخانه‌دارانی است که باید محصولات صنعتی کشورهای آمریکا و اروپا را مونتاژ کنند و به مردم بیچاره این کشور بفروشند و با ویران کردن روستاها، روستائیان را به کارگران ساده و غیر ماهر شهری و مصرف‌کننده اقتصاد مصرفی و احیاناً فاسد مبدل سازند (طالقانی، ج ۲، ۱۳۸۲: ۱۲). بنابراین از نگاه وی این الگوی تقلیدی فقط عقب‌ماندگی و واگرد به جای پیشرفت برای مردم به ارمغان می‌آورد. به هر روی، به نظر می‌رسد که استبداد پهلوی با اشاعه تمایلات غریزی که در امر واقع لاکانی نهفته است، در صدد برآمد تا از نمادسازی گروه‌های سیاسی و نواندیشان دینی جلوگیری نماید.

به تعبیر شهید رجایی، طالقانی بر این باور بود که موضوع اصلی و مهم از بین بردن استبداد و طاغوت است. یعنی لاله و مسئله بعدی‌ال‌الله است. لذا اصل را بر اتحاد نیروها و پرهیز از تفرقه و اختلاف نهاده بود با همه افرادی که علیه حکومت مستقر مبارزه می‌کردند، همراهی می‌کرد که این شامل همه نحله‌ها حتی مارکسیست‌ها نیز می‌شد. چرا که اعتقاد راسخ داشت که پس از پیروزی، هیچ مکتب و مرام سیاسی یا فکری نمی‌تواند در برابر جریان توانمند و پرجاذبه اسلام در جهت پیشرفت، پایداری کند (طالقانی، ۱۳۶۰: ۸۶).

از نظر طالقانی در دوران قبل از انقلاب، حکومت نه تابع اصول اسلامی بوده و نه برای قانون اساسی، اصول دنیای متمدن و حقوق بشر ارزشی قائل بوده است؛ بلکه تنها به ظواهر توجه داشته است. لذا تقابل طالقانی با استبداد و تأکید وی بر آزادی، تلاشی است برای زدودن آثار مخرب امر واقع. آزادی از منظر او بر خلاف نگرش مدرنیته غرب در غرایز انسان به مثابه یکی از محورهای امر واقعی لاکانی جای نمی‌گیرد؛ بلکه امری درونی و ذاتی است. طالقانی معتقد است، مستبد به هیچ ضابطه یا قاعده‌ای پای‌بند نیست و اراده خود را بالاتر از همه اراده‌ها می‌نشاند. برخلاف اراده پروردگار و مسیر توحید حرکت می‌کند و نهایتاً اقتصاد، منافع، شرافت و عمر ملت را فدای اغراض شخصی‌اش می‌کند. در صورتی که در جهان اسلام، الگوی مردان بزرگ و الهی این است که با فداکاری جان خود را در طبق اخلاص گذاشته و در جهت خشنودی خداوند، فدای مستضعفان و مظلومان می‌کنند. آن‌ها همه رنج‌ها را در این مسیر تحمل می‌کنند که نمونه آن امام علی (ع) در تاریخ اسلام است (طالقانی، بی تا: ۱۳۷-۱۳۶). پس می‌بایست اراده خداوند در سراسر جهان حکومت یابد و حکومت تنها زینده او و پیامبران و امامان منصوب به اوست و نه ملک و پادشاه.

بدین سان طالقانی هدف و مقصد اثباتی دین را ایستادگی در مقابل حکومت استبدادی می‌داند؛ زیرا اگر مستبد میدان یافت خود را مدعی خدایی می‌شمارد. به اعتقاد وی هدف همه قیام‌ها و مجاهدات پیامبران و پیروان راستین آن‌ها در سراسر تاریخ، جنگ علیه مستبدان روی زمین بوده است. لذا هر مسلک و مرام فکری و اجتماعی که به خودسری پایان دهد و آن را محدود گرداند، در جهت هدف پیام‌آوران الهی گام نهاده است. اگرچه مقصود و نظر نهایی این نیست، اما آزادی‌خواهی، دموکراسی، جمهوریت، مشروطیت و ... مانند گام‌های پی‌درپی هستند که ما را به هدف نهایی نزدیک می‌کنند (ملائتی‌توانی، ۱۳۸۸: ۱۱۲) و طاغوت و خودسری را نابود می‌سازند. در حقیقت، طالقانی با توسل به گزاره‌های دینی به نمادسازی ارزشی در مقابل اثرات مخرب استبداد پهلوی متوسل می‌شود؛ زیرا نمادسازی در ساحت امر نمادین درد و رنج و ترومای ناشی از امر واقع را به حاشیه می‌راند و او را در ارائه تبیینی ایجابی از دین اسلام یاری می‌کند.



طالقانی مبانی اندیشه ضد استبدادی و ضد استعماری خود را بر اساس اصل توحید تبیین می‌کند. توحید به معنای ایمان و باور قلبی به خدای یگانه، امری فطری است. طالقانی آن را به رستاخیزی تعبیر می‌کند که می‌توان در پرتو آن علیه نظام ظالمانه و مستبد قیام کرد و تحولی عظیم در جامعه ایجاد نمود (علیخانی، ۱۳۸۴: ۴۳۰). در واقع وی بر این باور است که اگر توحید از حیثه اعتقاد درونی و فردی به صحنه اجتماع کشیده شود، انسان را به تحول وامی‌دارد و او را از بندگی دیگران آزاد می‌سازد. بنابراین در جامعه‌ای که توحید حاکم است، افراد زمینه‌ای برای ارباب‌یابی ندارند و زندگی و سرنوشتشان، وابسته به اراده و خواست خودشان است. لذا تنها راه نجات مردم از قید و بند صاحبان زر و زور و تزویر و اضمحلال نظام‌های طبقاتی و ظالمانه بازگشت به توحید است. بنابراین از منظر طالقانی استعمار و استبداد ضمن تحمیل درد و رنج بر روان جامعه، سبب‌ساز بروز رفتارهای خارج از امر نمادین شدند. به‌گونه‌ای که این دو (استعمار و استبداد) در ترویج بی‌بند و باری اخلاقی در راستای تحقق امر واقع و واپس‌رانی نمادسازی ارزشی توسط نواندیشان دینی نقش پر رنگی را ایفا نمودند و مانع مهم پیشرفت اسلامی-ایرانی شدند.

۶-۴. الگوی اسلامی - ایرانی دولت مطلوب

در میان روشنفکران مذهبی که در راه براندازی نظام شاهنشاهی گام برمی‌داشتند، متفکرینی همانند طالقانی، منتظری و مطهری با وجود نظرات متفاوتی که در مباحث گوناگون داشتند، راهبرد مستقلی جز آنچه امام خمینی مطرح ساخته بود، ارائه نمی‌کردند. از این رو وارد مسیری شدند که رهبر انقلاب پیشگام آن بود. البته منظور این نیست که این روشنفکران هیچ نگاه خاصی نسبت به مقوله قدرت و حاکمیت نداشته‌اند، بلکه منظور این است که نظریه‌پرداز نوع بدیلی از حکومت دینی به‌مثابه یک آلترناتیو نبوده‌اند (ملائی توانی، ۱۳۸۸: ۳۸۶). لذا آنچه مطرح ساخته‌اند، اغلب حاصل مطالعاتشان در حوزه تاریخ اسلام یا تجارب شخصی‌شان بوده است. چنان‌که مدل مطلوب حکومت از نگاه طالقانی همان سبک فرمانروایی پیامبر اکرم (ص) و دوران کوتاه حکومت امام علی (ع) می‌باشد. در همین راستا، وی تأکید فراوانی بر محتوا و ماهیت حکومت دارد تا شکل و ساختار آن. بنابراین نمی‌توان از طرح یا مدل عینی و مشخصی از حکومت در اندیشه طالقانی سخن گفت. با این وجود، واضح‌ترین و برجسته‌ترین طرح اجرایی طالقانی برای استقرار جمهوری مبتنی بر اسلام، همان طرح شورا است که در عین حال دربردارنده جنبه‌های مثبت و مردمی حکومت‌های مردم‌سالار و دموکراتیک روزگار خود باشد و حتی در جنبه‌هایی از آن‌ها متعالی‌تر.

در واقع نظریه شورا در واقع آخرین حلقه از تکاپوهای فکری و سیاسی آیت‌الله طالقانی است که در مسیر تبیین نظام سیاسی-اجتماعی مطلوب در چهارچوب اسلام از سوی او مطرح می‌شود. طرحی که به نظر می‌رسد در پی آشکارشدن ناکارآمدی و عدم مشروعیت نظام پهلوی از سوی او پیشنهاد شده است. در حوزه زمامداری پس از انقلاب، طالقانی را باید نماد تلاش برای تشکیل شورا قلمداد کرد. او ضمن بحث‌های مفصل که به مناسبت‌های گوناگون در این باره ارائه کرده است، همواره از آن به‌مثابه مدل مشارکت مردمی و دموکراتیک دفاع می‌کند (طالقانی، ۱۳۹۹: ۳۱).

به اعتقاد وی شورا از مشخصه‌های اصلی جامعه پیشرفته اسلامی است و اگر مردم مسلمان از ذخایر عقلانی یکدیگر در امور بهره بگیرند و در تطابق امور ثابت به وظیفه و حوادث روز عمل کنند، همواره پیروز و کامیاب خواهند بود. به هر روی طالقانی در ترسیم نظم سیاسی-اجتماعی مطلوب خود، ضمن پذیرش برخی از اصول ذهنیت مدرن مانند دموکراسی و انطباق آن با مفاهیم دینی مانند شورا، نگرشی تلفیقی و مبتنی بر پذیرش اصول بنیادین مدرنیته داشت. بنابراین از منظر طالقانی، طرح شورا هم در تاریخ اسلام سابقه درخشانی داشته و هم توصیه‌های بی‌شماری در قرآن کریم و منابع اصیل تفکر دینی بر آن شده است. نظریه شورا در



حقیقت آخرین مرحله از تلاش‌های فکری و سیاسی طالقانی است که در راه استقرار یک نظام متعالی در چارچوب آموزه‌ها و سنت‌های مذهبی و منطبق با معیارهای فرهنگی جامعه ایران مطرح شد.

مسئله دیگری که وی در یک حکومت مطلوب آن را لازم می‌داند، مرجعیت شورایی است. از نظر وی عامل حرکت و پیشرفت مومنین بعد از خاتمیت اصل اجتهاد است. لذا در دوره تکامل دین اسلام همواره به مسائل و مقتضیات جدید معطوف خواهیم بود. به دلیل اینکه لازمه تکامل و توسعه مستمر بحث‌های مختلف فقه و همین‌طور اصول و فروع آن تخصص‌داشتن است، مجتهدان و عالمان دینی برای حل مسائل مورد اختلاف هم‌چون دیگر کارشناسان رشته‌های گوناگون نیاز به مشورت و شورای عملی دارند. تأکید بی‌جا بر آراء شخصی منفرد ناشی از غرور و استبداد در رأی خواهد بود (طالقانی، ۱۳۵۹ب: ۴۷۴-۴۷۲) که در شریعت اسلام مطلقاً مطرود است.

طالقانی بعد از اثبات لزوم وجود نهاد مرجعیت، این سوال را مطرح می‌کند که مسئولیت اجتهاد در دین و دفاع از پویایی آیین با چه افرادی است و با چه سازوکارها و روش‌هایی باید دنبال شود تا در نظر و عمل با رویکرد شارع مقدس انطباق داشته باشد؟ سپس با طرح مباحثی به این نتیجه می‌رسد که تمرکز در هیئت و اجتماع، اصلح‌ترین، موجه‌ترین و نزدیک‌ترین شیوه به نظر شارع است و ضروری است مراجع دین و اهل نظر هر چند وقت یک بار دور هم جمع گردند تا در جریان امور و مسائل قرار بگیرند و با استخراج رأی از این شورا، نتیجه نهایی و تکلیف قطعی عامه مسلمانان را ابراز دارند (طالقانی، ۱۳۵۹ب: ۴۷۲-۴۷۳). در یک نگاه کلی می‌توان گفت طالقانی در مسیر برداشت‌های سیاسی نائینی، مدافع نظام سیاسی است که در آن روحانیون بر امور نظارت می‌کنند و به مثابه راهنمایان مذهبی تطابق سیاست‌گذاری‌ها، تصمیمات مشورتی و برنامه‌ها را با اسلام می‌سنجند.

در دوران غیبت امام عصر همه انسان‌ها به طور عام و علما به صورت خاص مسئول اجرای قوانین و احکام الهی‌اند. به همین جهت وی نمی‌تواند از حکومت خاصی جانبداری کند؛ بلکه بر این باور است که حکومت از آن خدا، پیامبر و امامان است و پس از آن‌ها به مجتهد و سپس توده‌های مسلمان تعلق دارد (جهانبخش، ۱۳۸۳: ۷۰-۶۷). مجتهد باید از یک جهت بر سویه‌های کلان جامعه نظارت کند و از سوی دیگر چنان مستقل عمل کند که به مثابه نقطه اتکایی قابل اطمینان برای مردم در مقابل تندروی‌های دولت‌های آینده یا فشارهای احتمالی ایفای نقش کند.

در واقع طالقانی از لحاظ عمل سیاسی نیز در اجرای نظریه شورا در انقلاب اسلامی ایران پیشقدم بود. وی در اوایل انقلاب، طرح اجرایی کمیته‌های محلی را با عنوان شوراهای محلی برای تحقق این امر ارائه داد. این شوراهای وظیفه داشتند تا در قالب مجموعه‌های مستقل اجرایی، مشاوره و تصمیم‌گیری در روستاها و شهرهای مختلف، دیدگاه‌ها و نیازهای کوچک‌تر را از راه سلسله مراتب به حکومت مرکزی منتقل کنند (میرزاده تهرانی، ۱۳۵۹: ۱۱۶). در واقع این امر به معنای توزیع قدرت در همه لایه‌های درونی ساخت‌های اجتماعی است که در مدرنیته نیز یکی از مسائل مورد توجه نظریه‌پردازان بوده است. از نظر طالقانی شورا تنها راه شرعی، قانونی و دنیاپسندی است که بر اساس آن مردم می‌توانند سرنوشت خود را به دست گیرند و راهی برای پیشرفت زندگی خود انتخاب کنند.

افزون بر نظریه شورا که در قالب شوراهای استانی و محلی ارائه گردید تا روشی نهادمند و اصولی برای تأمین خواسته‌ها و منافع همه اقشار و گروه‌ها برای مشارکت در سیاست‌گذاری‌های کشور باشد، طالقانی به جهت بسط و گسترش آزادی در سطوح گوناگون جامعه به مدل شورای پارلمانی که نهادی دموکراتیک است، اشاره می‌کند. در حقیقت از آنجایی که امکان داشت، پارلمان



و جهت‌گیری‌های آن به‌منظور تأمین منافع صاحبان قدرت و ثروت سازماندهی شود، طالقانی برای پیشگیری از این موضوع، نظریه شورا در مقیاسی گسترده را مطرح کرد که امکان تحقق در دو سطح و با دو شیوه شوراهای محلی و پارلمانی را داشت. وی برخلاف استدلالات سنت‌گرایان کوتاه‌نظری که مجلس را به‌مثابه بدعت و تشریح قانون، بی‌اعتبار می‌دانستند، وجود مجمعی مشتمل از برگزیدگان ملت به‌جهت مشورت و تصمیم‌گیری درخصوص مسائل و موضوعات جاری کشور را ضروری تلقی کرده و آن را دارای وجوب عقلی می‌خواند (شیرخانی، ۱۳۸۰: ۲۳۵-۲۳۴). زیرا که در موارد زیادی تدوین آیین‌نامه‌ها و قوانین لازمه احقاق حق مردم از مدیران و مسئولان بود که هیچ منافاتی هم با شرع نمی‌یافت.

در یک نگاه کلی می‌توان گفت، اگر در انقلاب مشروطه، نظریه مشروطیت مفهوم موردپسند و کاربردی برگرفته از امر خیالی محسوب می‌شد، در دوران انقلاب اسلامی نیز نظریه جمهوریت، آرمان برگرفته از غیر و بدیل غیرقابل انکار تلقی می‌شد. اما روشن بود که پیشگامان مذهبی انقلاب همانند آیت‌الله طالقانی نمی‌توانستند الگوی جمهوریت غربی را به‌طور کامل بپذیرند، لذا تلاش کردند تا مؤلفه‌های نظری آن را با روح دیانت پیوند زنند و یک توجیه شرعی از آن ارائه کنند که با روح الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت همخوان باشد. بنابراین هدف اصلی طالقانی از بیان این مسئله که جمهوریت در شریعت اسلامی نهفته است و از متن آن تراوش می‌کند، در واقع اصالت بخشیدن به اصل جمهوریت از منظر سازگاری و انطباق آن با شریعت است (ملائی‌توانی، ۱۳۸۸: ۴۲۹-۴۲۸). از نگاه وی قواعد شرع جامع‌تر از قدرت عقل آدمی بود و در هر زمان می‌شد آن را با علوم جدید تفسیر کرد.

به‌طور کلی اگر بخواهیم اندیشه طالقانی در خصوص حکومت را بیان کنیم، نفی استبداد، آزادی، و توجه به حقوق مردم بر تارک اندیشه‌های وی می‌درخشد. دیدگاه وی در مورد حکومت، با توجه به عنایتش به عنصر دین و انتخاب را می‌توان رهیافت جدیدی به نام دین-مردم‌سالاری دانست (شیرخانی، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۶). چراکه وی با تأکید بر دین و رأی مردم پایه‌های نظم مطلوب مدنظرش را استوار ساخته، به‌عدم‌تمرکز قدرت در دست یک شخص معتقد است و شورا را ارج می‌نهد (شیرخانی و یزدانی‌احمدآبادی، ۱۳۹۶: ۱۲۶). در چنین نظامی حکام واقعی مردم هستند و سیاست باید در راستای خواسته‌های مردم تعیین شود. جایگاهی که طالقانی برای روحانیون در این حکومت تعیین می‌کند، آن‌ها را ناظرانی بر سیستم معرفی می‌نماید که مشکلات مردم را مرتفع می‌کنند (افراسیابی و دهقان، ۱۳۶۰: ۴۶۰). بنابراین، آیت‌الله طالقانی با به‌حاشیه‌راندن امر واقع ناشی از دسیسه‌های استعمار و استبداد به ترسیم ساحت نمادینی مبتنی بر ارزش‌های دینی همت گمارد. لذا نظم سیاسی و اجتماعی مطلوب او بیشتر بر محتوا مبتنی بود تا صورت شکلی. بر این اساس شورا به‌عنوان مفهومی کیفی در سطح مردمی و پارلمانی که با گزاره‌های مدرن نیز همسو بود، مبنای نظم سیاسی و اجتماعی مطلوب او قرار گرفت.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آیت‌الله طالقانی در دوران رضاشاه فعالیت‌های زیادی در راستای نشر معارف قرآنی و آموزش علوم اسلامی انجام می‌داد و در جهت مخالفت با رژیم استبدادی، به دنبال تقویت بنیه ایدئولوژیک اسلام و احیای آن به‌مثابه امر نمادین حاکم بر جامعه بود تا الگوی اسلامی-ایرانی از پیشرفت ارائه دهد. وی در این راه از مجاهدت‌های شهید مدرس و هم‌چنین آراء و افکار نایینی در خصوص حکومت مشروطه متأثر بود.

طالقانی با آن‌که در اروپا زندگی نکرده بود، آشنایی قابل توجهی نسبت به علوم، اندیشه و تمدن غرب به‌مثابه حیث خیالی داشته و از این اندوخته‌ها برای بازسازی الگوی پیشرفت بهره می‌گرفت. او هوادار علم، آزادمندی و تحقیق و تفحص بود. هم‌چنین



از تفتیش عقاید و یا تحمیل عقیده بر دیگران اکراه داشت و در این رابطه به اصل آزادی و اختیار پای‌بند بود. لذا برای هر آنچه با عنوان آثار مثبت از غرب (امرخیالی) اشاعه می‌یافت، ریشه‌ای در اسلام پیدا می‌کرد و نمونه‌ای عملی می‌جست. تأکید وی بر امر شورا نیز ناشی از این موضوع است. اسلام مورد نظر طالقانی، دینی طرفدار آزادی عقیده، اراده مبتنی بر مشورت، مخالف با جهل و تعصب و هم‌چنین مخالف با استبداد و فساد بود و با فرهنگ تقلیدگرایان و تحمیلی تضاد داشت. در واقع، وی راه پیشرفت را در برقراری دموکراسی می‌دید و امکان اجرایی شدن آن را در زیر سایه قسط اسلامی می‌دانست. البته این به معنای پذیرش همه‌جانبه جمهوریت و مؤلفه‌های دموکراسی نیست، بلکه تنها اصولی را می‌پذیرفت که با دین جامع اسلام منافاتی نداشته باشد. لذا می‌توان گفت رویکرد وی به مدرنیته، پذیرش و تلفیق آن با دین اسلام است.

وی هدف و مقصد اثباتی دین را ایستادگی در برابر حکومت استبدادی به مثابه امر واقع می‌دانست و اعتقاد داشت؛ هدف همه قیام‌ها و مجاهدت‌های پیامبران و ائمه اطهار (س) در سراسر تاریخ، جنگ علیه مستبدان روی زمین بوده است. لذا هر مرام و مسلک فکری که به اشتباه پایان دهد، در جهت هدف پیامبران ما گام برداشته‌اند. اگرچه ممکن است هدف نهایی ما نباشد. مؤلفه‌هایی نظیر آزادی‌خواهی، جمهوریت، دموکراسی، مشروطیت و... گام‌های بلندی هستند که ما را به هدف نهایی یعنی پیشرفت و تعالی نزدیک می‌کنند.

حکومت مورد نظر طالقانی نیز برگرفته از نوع نگاه او به امر خیالی، امر نمادین و امر واقع است. برجسته‌ترین طرح اجرایی وی برای استقرار جمهوری مبتنی بر اسلام و در عین حال دربردارنده جنبه‌های مثبت و دموکراتیک مدرن، همان طرح شورا است. به اعتقاد وی شورا از مشخصه‌های اصلی جامعه اسلامی است و اگر مسلمانان در امور و پیشامدها از ذخایر ذهنی و عقلانی یکدیگر بهره‌مند شوند، همواره پیروز خواهند بود. شخصی که حکومت می‌کند؛ نیز از این قائله استثناء نیست و نمی‌تواند بدون رأی و مشورت مردم که شریک در مصالح نوعی‌اند، اقدامی انجام دهد. طالقانی اصول برگرفته از مدرنیته را با امر متعال پیوند می‌زند و معتقد است در جامعه‌ای که مبتنی بر آزادی و دموکراسی بنا شده است، باید شورای مرجعیت تشکیل شود تا هدایت امور دینی جامعه را بر عهده بگیرند. وی حامی حکومتی است که علما تنها بر امور نظارت می‌کنند و به‌عنوان راهبران مذهبی انطباق سیاست‌ها و برنامه‌ها را با اسلام می‌سنجند. به‌طور کلی اگر بخواهیم اندیشه طالقانی در امر حکومت را بیان کنیم، دین، آزادی، رأی مردم و مشورت، و نفی استبداد که تلفیقی از خویشن اسلامی و اصول مدرن است، بر تارک اندیشه‌های وی خواهد درخشید.



منابع

- قرآن مجید.
- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- استاوراکاکیس، یانیس (۱۳۹۲)، لاکان و امر سیاسی، ترجمه محمدعلی جعفری و محمد ابراهیم طاهائی، تهران: ققنوس.
- افراسیابی، بهرام؛ دهقان، سعید (۱۳۶۰)، طالقانی و تاریخ، تهران: نیلوفر، چاپ دوم.
- بسته‌نگار، محمد (۱۳۶۲)، زندگی‌نامه ابوذر از زبان خودش و دیگران، تهران: بنیاد فرهنگی آیت‌الله طالقانی.
- جهانبخش، فروغ (۱۳۸۳)، اسلام، دموکراسی و نوگرایی دینی در ایران (۲۰۰۰-۱۹۵۳)، از بازرگان تا سروش، ترجمه جلیل پروین، تهران: گام نو.
- حیدری، محمد (۱۳۸۶)، «مروری بر زندگی سیاسی آیت‌الله طالقانی»، شهروند، شماره شانزدهم.
- دلد، اسکندر (۱۳۵۸)، زندگی و مبارزات پدر طالقانی، تهران: بهروز.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۵)، گزیده اقتصاد ایران، تهران: امیر کبیر.
- شیرخانی، علی (۱۳۸۰)، «نظام شورایی در اندیشه سیاسی آیت‌الله طالقانی»، دانشگاه باقرالعلوم، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۴، صص ۲۴۲-۲۲۱.
- شیرخانی، علی؛ یزدانی احمدآبادی، اکبر (۱۳۹۶)، «مقایسه اندیشه سیاسی طالقانی و محمد مجتهدشیرازی»، سیاست‌نامه مفید، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۳۴.
- طالقانی، محمود (بی‌تا)، خطبه‌های نماز جمعه و عید فطر مجاهد نستوه حضرت آیت‌الله طالقانی، تهران: کانون سیاسی فرهنگی نصر.
- (۱۳۳۹)، «موتمر اسلامی»، مجله مجموعه حکمت، دوره چهاردهم.
- (۱۳۴۴)، اسلام و مالکیت، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- (۱۳۵۹a)، محاکمات و خاطرات پدر طالقانی به قلم و خط خودشان، به کوشش بهرام افراسیابی، تهران: جنبش.
- (۱۳۵۹b)، از آزادی تا شهادت، تهران: انتشارات ابوذر، چاپ دوم.
- (۱۳۵۹c)، مجموعه گفتار پدر طالقانی، (سخنرانی‌های عمومی)، تهران: سازمان مجاهدین خلق ایران.
- (۱۳۵۹d)، بحثی در مرجعیت و روحانیت، تهران: سهامی انتشار.
- (۱۳۶۰)، یادنامه ابوذر زمان، تهران: سهامی انتشار.
- (۱۳۶۱)، مجموعه سخنرانی‌ها بعد از انقلاب، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- (۱۳۸۲)، یاران امام به روایت اسناد ساواک، جلد ۲، تهران: مرکز بررسی اسناد وزارت اطلاعات.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی، جلد ۱، تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی.
- فردوست، حسین (۱۳۷۸)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران: اطلاعات، جلد ۱، چاپ پنجم.
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۶)، تجدد نا تمام روشنفکران ایران، تهران: اختران.
- مخیر، عباس (۱۳۷۱)، ترجمه کتاب سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، تهران: طرح نو.
- موللی، کرامت (۱۳۸۶)، مبانی روان‌کاوی فروید-لکان، تهران: نشر نی، چاپ سوم.



- میرابوالقاسمی، محمدحسین (۱۳۸۲)، طالقانی، فریادی در سکوت: سیری کوتاه در زندگی اندیشه های بلند آیت... طالقانی، جلد ۱ و ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نائینی، میرزا محمد حسن (۱۳۳۴)، تنبیه الامه و تنزیه المله، با مقدمه و شرح سیدمحمود طالقانی، تهران: انتشارات سهامی انتشار، چاپ سوم.
- نجفزاده، مهدی (۱۳۹۴)، «حیث خیالی قانون‌گذار در دورهٔ تکوین سیاست مدرن در ایران»، فصل‌نامه ممالک محروسه (پژوهش‌های قاجاریه شناسی)، شماره ۱، صص ۱۶۵-۱۸۱.
- هومر، شون (۱۳۸۸)، ژان لاک، ترجمه محمدعلی جعفری و محمد ابراهیم طاهائی، تهران: ققنوس.
- Baudelaire, C (1993), **oeuvres completes**, ed. C. pichois: paris, vol .
- Lacan, J (1966) “Fonction et champ de la parole et du langage en psychanalyse”, in *Ecrits*, paris, seuil.
- (1993), *The seminar. Book III. The psychoses, 1955-56*, trans Russell Grigg, notes by Russei Grigg, London: Routledge.



A Lacanian reading of the perception of modernity and the formation of the ideal state Islamic-Iranian model in the opinions of Ayatollah Taleghani

Abstract

Throughout the history of political thought, especially after the era of modernity, various types of social political orders have been proposed by Western theorists for the development of European societies, which have had a significant impact on the type of governments and governments of the whole world. But since these ideas are not compatible with the Iranian-Islamic model, it has created a kind of confusion among modern Iranian thinkers and intellectuals for which no definitive answer has been provided so far. Ayatollah Taleghani, as one of the most prominent religious innovators of the revolutionary era, although he did not explicitly mention the type of ideal state model for Islamic-Iranian progress, but by examining his works, we can understand the obstacles and solutions to achieve progress that is consistent with the Iranian Islamic model. Therefore, the present research has been done by analyzing Taleghani's thoughts in three real, imaginary and symbolic formats as a step towards explaining the Iranian Islamic model of progress. This research, with a qualitative approach and using the Lacanian triple model, on the one hand, examines the issue of what kind of government Ayatollah Taleghani provides for the development of the Iranian Islamic society. And on the other hand, it investigates the obstacles of the Pahlavi government for the prosperity of the society. The research method is based on analytical-descriptive strategy based on library studies and its results show that Ayatollah Taleghani considers the Shura-based democracy as a desirable model of government for the progress of man and society and an alternative to Western examples.

Keywords:

Lacanian trio, Taleghani, modernity, Council-oriented democracy, ideal government model.